

میرچا الیاده

# تاریخ اندیشه‌های دینی

از محمد (ص)  
تا عصر اصلاحات

۳



ترجمه  
بهزاد سالکی

بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

## فهرست مطالب

۱۳	..... پیش‌گفتار
۱۵	..... ۳۱. ادیان اوراسیایی باستان: ترک-مغول‌ها، فینو-اوگری‌ها، بالتو-اسلاوها
۱۵	..... ۲۴۱. شکارچیان، بادیه‌نشینان، جنگجویان
۱۷	..... ۲۴۲. تنگری، «خدای آسمانی»
۱۹	..... ۲۴۳. ساختار جهان
۲۱	..... ۲۴۴. فراز و نشیب‌های آفرینش
۲۴	..... ۲۴۵. شمن و تشریف شمنی
۲۸	..... ۲۴۶. اساطیر و مناسک شمنی
۳۱	..... ۲۴۷. معنا و اهمیت شمنیسم
۳۴	..... ۲۴۸. ادیان آسیای شمالی و فینو-اوگری‌ها
۳۶	..... ۲۴۹. دین بالت‌ها
۴۰	..... ۲۵۰. شرک اسلاوی
۴۳	..... ۲۵۱. آیین‌ها، اسطوره‌ها، و باورهای اسلاوهای کهن
۴۷	..... پی‌نوشت

## ۸ ■ تاریخ اندیشه‌های دینی

۳۲. کلیساهای مسیحی تا بحران شمایل شکنی (سده هشتم تا نهم) ..... ۵۵
۲۵۲. روم نابود نمی‌شد، اگر ..... ۵۵
۲۵۳. اوگوستین: از تاگاست تا هیپو ..... ۵۸
۲۵۴. جانشین بزرگ اوگوستین: اوریگن ..... ۵۹
۲۵۵. آرای بحث‌انگیز اوگوستین: آموزه‌ او در باب لطف و قضا و قدر ..... ۶۲
۲۵۶. کیش قدیسان: کلیسای شهیدان، بقایا، و زیارتگاه ..... ۶۶
۲۵۷. کلیسای شرقی و شکوفایی الهیات بیزانسی ..... ۷۰
۲۵۸. تقدیس شمایل‌ها و شمایل شکنی ..... ۷۴
- پی‌نوشت ..... ۷۷
۳۳. محمد (ص) و ظهور اسلام ..... ۸۱
۲۵۹. الله، خدای غیرفعال اعراب ..... ۸۱
۲۶۰. محمد (ص) «فرستاده خدا» ..... ۸۴
۲۶۱. سفر جذبه‌آمیز (معراج) به آسمان و کتاب مقدس ..... ۸۷
۲۶۲. هجرت به مدینه ..... ۸۹
۲۶۳. از تبعید تا پیروزی ..... ۹۱
۲۶۴. پیام قرآن ..... ۹۳
۲۶۵. حضور اسلام در مدیترانه و خاور نزدیک ..... ۹۶
- پی‌نوشت ..... ۱۰۱
۳۴. آیین کاتولیک غربی از شارلمانی تا یواخیم فیوره ..... ۱۰۵
۲۶۶. مسیحیت طی قرون وسطای علیا ..... ۱۰۵
۲۶۷. جذب و تفسیر دوباره سنت پیشا مسیحی: پادشاهی مقدس و شوالیه‌ها ..... ۱۰۹
۲۶۸. جنگ‌های صلیبی: آخرت‌شناسی و سیاست ..... ۱۱۱
۲۶۹. معنا و اهمیت دینی هنر رومیایی و عشق مذهب ..... ۱۱۵
۲۷۰. باطن‌گرایی و آفرینش‌های ادبی: تروبادورها (آوازخوانان دوره‌گرد) عشق مؤمنانه و حلقه جام مقدس ..... ۱۱۹
۲۷۱. یواخیم فیوره: الهیات جدید تاریخ ..... ۱۲۵
- پی‌نوشت ..... ۱۲۹
۳۵. الهیات مسلمانان و سنت‌های عرفانی ..... ۱۳۵

۱۰ ■ تاریخ اندیشه‌های دینی

۲۹۷. قدیس توماس آکوئیناس و حکمت مدرسی ..... ۲۱۸
۲۹۸. مایستر اکهارت: از خدا به الوهیت ..... ۲۲۱
۲۹۹. دینداری عامه مردم و خطر پارسایی ..... ۲۲۶
۳۰۰. فجایع و امیدها: از تازیانه‌زنان تا دینداری جدید ..... ۲۲۸
۳۰۱. نیکولای کوزایی و دوران زوال قرون وسطا ..... ۲۳۱
۳۰۲. بیزانس و روم. مسئله «واز پسر» ..... ۲۳۴
۳۰۳. راهبان هسوخت. قدیس گرگوری پالاماس ..... ۲۳۷
- پی نوشت ..... ۲۴۱
- 
۳۸. دین، جادو، و سنت‌های هرمسی پیش و پس از اصلاح دینی ..... ۲۵۱
۳۰۴. بقایای سنت‌های دینی پیشا مسیحی ..... ۲۵۱
۳۰۵. نمادها و آیین‌های رقص پالایشی ..... ۲۵۴
۳۰۶. «شکار جادوگران» و فرازونشیب‌های دین عامه ..... ۲۵۸
۳۰۷. مارتین لوتر و اصلاح دینی در آلمان ..... ۲۶۴
۳۰۸. الهیات لوتر. مجادله با اراسموس ..... ۲۶۸
۳۰۹. تسوینگلی، کالون، و اصلاحات کاتولیک ..... ۲۷۲
۳۱۰. انسان‌گرایی، فلسفه نوافلاتونی، و آیین هرمسی در دوره رنسانس ..... ۲۷۷
۳۱۱. ارزشگذاری‌های نوین کیمیاگری: از پاراسلسوس تا نیوتون ..... ۲۸۰
- پی نوشت ..... ۲۸۷
- 
۳۹. ادیان تبتی ..... ۲۹۷
۳۱۲. «دین انسان‌ها» ..... ۲۹۷
۳۱۳. مفاهیم سنتی: کیهان، انسان‌ها، خدایان ..... ۲۹۹
۳۱۴. بن: رویارویی‌ها و تلفیق ..... ۳۰۲
۳۱۵. شکل‌گیری و پیشرفت لامائسم ..... ۳۰۵
۳۱۶. آموزه‌ها و شعائر لامایی ..... ۳۰۷
۳۱۷. هستی‌شناسی و فیزیولوژی عرفانی نور ..... ۳۱۱
۳۱۸. علاقه جاری به آفرینش‌های دینی تبتی ..... ۳۱۳
- پی نوشت ..... ۳۱۷
- 
- فهرست کوتاه‌نوشت‌ها ..... ۳۲۱

فهرست مطالب ■ ۱۱

۳۲۳	وضعیت کنونی مطالعات: مسائل و پیشرفت. کتاب‌شناسی‌های انتقادی
۴۰۱	واژه‌نامه
۴۲۹	نمایه

ادیان اوراسیایی باستان: ترک - مغول‌ها، فینو - اوگری‌ها بالتو - اسلاوها

#### ۲۴۱. شکار چیان، بادیه‌نشینان، جنگجویان

تهاجمات سهمگین ترک - مغول‌ها - از زمان هون‌ها در قرن چهارم تا زمان تیمور لنگ در قرن چهاردهم از الگوی اسطوره‌ای شکارچی ابتدایی در اوراسیا الهام می‌گرفت: گوشت‌خواری که در دشت‌ها در تعقیب شکار خود بود. سوارکاران هون، آوار، ترک و مغول با شتاب و سرعتی که در حرکات خود داشتند، با کشتار تمامی جماعات، و نابودی کامل نشانه‌های بیرونی فرهنگ‌های مستقر (شهرها و روستاها) مانند دسته‌گرگ‌هایی بودند که حیوانات نشخوارکننده را در دشت‌ها شکار می‌کردند یا به گله‌های چوپانان بادیه‌نشین حمله‌ور می‌شدند. بی‌تردید، اهمیت راهبردی و پیامدهای سیاسی این رفتار برای فرماندهان نظامی آنان شناخته شده بود. اما این شکارچی نمونه، و گوشت‌خوار با ظاهر اسرارآمیزش نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا می‌کرد. تعدادی از قبایل آلتایی ادعا می‌کردند که یک گرگ ماورایی نیای آن‌هاست (بند ۱۰).

شیخ خیره‌کننده «امپراتوری دشت‌ها» و ویژگی کمابیش کم‌دوام‌شان هنوز هم مورخان را مجذوب می‌کند. در واقع، هون‌ها در ۳۷۴، اوستروگوت‌ها را در کنار رود دنیستر شکست دادند و باعث کوچ شتابزدهٔ تعدادی از قبایل ژرمنی شدند، و سپس در اثنای ترک دشت‌های مجارستان، چندین ولایت امپراتوری روم را غارت کردند. آتیلا بر بخش وسیعی از اروپای مرکزی غلبه

یافت، اما اندکی پس از مرگ او (۴۵۳)، هون‌ها که دچار اختلاف و سردرگمی شده بودند، از صحنه تاریخ محو شدند. امپراتوری بزرگ مغول نیز که چنگیزخان آن را طی بیست سال ایجاد کرد (۱۲۰۶-۱۲۲۷)، و جانشینانش (تا اروپای شرقی پس از ۱۲۴۱ تا ایران، عراق، و آناتولی پس از ۱۲۵۸؛ و تا چین در ۱۲۷۹) گسترش دادند، پس از شکست در تسخیر ژاپن (۱۲۸۱) به همان صورت زوال یافت. تیمور لنگ ترک تبار (۱۳۶۰-۱۴۰۴) که خود را جانشین چنگیزخان می‌شناخت، آخرین فاتح بزرگی بود که از الگوی گوشت‌خواران الهام می‌گرفت.

باید تأکید کرد که این «بربرهای» گوناگون که از دشت‌های آسیای مرکزی هجوم می‌آوردند درباره برخی آفرینش‌های فرهنگی و دینی اقوام متمدن آگاهی‌هایی داشتند. به علاوه، همان‌طور که خواهیم دید، نیاکان آنان، یعنی همان سوارکاران ماقبل تاریخ و چوپانان بادیه‌نشین، از کشفیات مناطق مختلف آسیای جنوبی سود برده بودند.

جمعیت‌هایی که به زبان‌های آلتایی صحبت می‌کردند قلمرو وسیعی را اشغال کردند: سیبری، ناحیه ولگا، آسیای مرکزی، شمال و شمال غربی چین، مغولستان، و ترکیه. در این مورد سه شاخه اصلی زبانی از یکدیگر تمیز داده می‌شوند: (۱) ترکی رایج (اویغور، چغتایی)؛ (۲) مغولی (کالمیک، مغول، بوریات)؛ و (۳) منچو-تونگوز.<sup>[۱]</sup> زیست‌بوم ابتدایی این اقوام آلتایی به احتمال زیاد استپ‌ها، اطراف آلتای و کوهستان‌های چینگ-های بین تبت و چین بوده، که تا شمال، تا جنگل‌های باتلاقی (تایگا) سیبری امتداد می‌یافت. این گروه‌های گوناگون آلتایی، درست مانند جمعیت‌های فینو-اوگری در مناطق شمالی به شکار و ماهی‌گیری، در آسیای مرکزی به پرورش رمه، و در منطقه جنوبی بسیار اندک به زراعت مشغول بودند.

از دوره ماقبل تاریخ، اوراسیای شمالی تحت تأثیر فرهنگ‌ها، مهارت‌ها، و اندیشه‌های دینی‌ای بود که از سمت جنوب وارد می‌شد. پرورش گوزن شمالی در نواحی سیبری از اهلی شدن اسب الهام گرفته بود که به احتمال زیاد در استپ‌ها انجام می‌گرفت. مراکز تجارت ماقبل تاریخی (برای مثال، جزیره گوزن در کنار دریاچه اونگا) و گدازگری (پژم) نقش مهمی در گسترش فرهنگ‌های سیبریایی ایفا کرده بودند. افزون بر این، آسیای مرکزی و شمالی به تدریج اندیشه‌های دینی‌ای را که خاستگاه بین‌النهرینی، ایرانی، چینی، هندی، تبتی (لامائیسیم)، مسیحی (مذهب نستوری) و مانوی داشتند پذیرفته بودند، که ضروری است تأثیرات اسلام، و جدیدتر، تأثیرات مسیحیت ارتدوکس روسی را به آن‌ها بیفزاییم.

با این وجود، باید اضافه کرد که این تأثیرات چندان هم در تغییر ساختارهای دینی اولیه

موفق نبودند. برخی باورها و آداب و رسوم خاص شکارچیان پارینه‌سنگی هنوز هم در اوراسیای شمالی زنده است. در مواردی، هنوز هم می‌توان این اسطوره‌ها و دریافت‌های دینی باستانی را در لباس‌های مبدل لامایی، اسلامی و مسیحی تشخیص داد.<sup>[۲]</sup> در نتیجه، به‌رغم تلفیق‌های گوناگون، می‌توانیم برخی اندیشه‌های خاص را بازشناسیم: باور به خدایی آسمانی، و فرمانروای نوع بشر؛ نوع خاصی از کیهان‌آفرینی؛ همبستگی رازآمیز با حیوانات؛ و شمنیسم. با این حال، گیرایی فراوان ادیان آسیای مرکزی و شمالی عمدتاً در ساختار ترکیبی آفرینش‌های آن‌ها نهفته است.

### ۲۴۲. تنگری، «خدای آسمانی»

از همه خدایان اقوام آلتایی، مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین آن‌ها در واقع، (Tengri) Tängri در میان مغول‌ها و کالمیک‌ها، Tengeri در میان بوریات‌ها، Tängere در میان تاتارهای ولگا، و Tingir در میان بلتیرها) است. لفظ tängri به معنی «خدا» و «آسمان» به واژگان ترک‌ها و مغول‌ها تعلق دارد. این اسم از «دوره ماقبل تاریخ آسیا وجود داشته و از بخت و اقبال بی‌نظیری برخوردار بوده است. حوزه نفوذ آن در زمان، مکان، و سرتاسر تمدن‌ها گسترده است؛ بیش از دوهزار سال شناخته شده است؛ هم‌چنین: در سرتاسر آسیا از مرز چین تا جنوب روسیه، از کامچاتکا تا دریای مرمهره مورد استفاده قرار گرفته است؛ «دهقانان» آلتایی با نامگذاری خدایان شان، و آن‌ها را در ردیف خداوند متعال قرار دادن، به او خدمت می‌کرده‌اند و این‌گونه و در همه ادیان جهانی بزرگ که ترک‌ها و مغول‌ها در سراسر تاریخ‌شان به آن‌ها ایمان آورده‌اند (مسیحیت، مانویت، اسلام و غیره) محفوظ مانده است.»<sup>[۳]</sup>

واژه تنگری (tängari) برای بیان ذات الهی به کار می‌رود. آن‌گونه که این واژه در میان هسی‌یونگ - نوها در قرن دوم ق.م، خدای بزرگ آسمانی خوانده می‌شد. متن‌ها او را خدایی «عظیم» (usä) «سفید و آسمانی» (kök)، «ازلی» (mönkä)، و دارای «قدرت» (küc) نشان می‌دهند.<sup>[۴]</sup> در یکی از کتیبه‌های ترک‌های اورخون (سده‌های هفتم تا هشتم) نوشته شده: «هنگامی که آسمان آبی در بالا و زمین تیره در پایین آفریده شدند، بین این دو، فرزندان انسان‌ها (= نوع انسان) به وجود آمدند.»<sup>[۵]</sup> می‌توان جدایی آسمان و زمین را یک عمل کیهان‌آفرینی تفسیر کرد. اما درباره کیهان‌آفرینی به معنای اخص و تنگری در مقام آفریننده آن تنها اشاره‌هایی مبهم وجود دارد. با این حال تاتارهای آلتایی و یاکوت‌ها به خدای خود به عنوان «آفریننده» اشاره می‌کنند. و به عقیده بوریات‌ها خدایان (تنگری) انسان را آفریدند و انسان با شادی می‌زیست تا



این که ارواح شریر، بیماری و مرگ را بر روی زمین گسترش دادند.<sup>[۶]</sup>

به این نحو، نظم کیهانی و در نتیجه، نظام جهان و اجتماع، و تقدیر انسان به تنگنری وابسته است. بنابراین، هر فرمانروایی باید خلعت خود را از آسمان دریافت کند. در کتیبه اورخون می‌خوانیم: «تنگنری که پدر مرا به مقام خاقانی ارتقا داده بود... تنگنری که این امپراتوری را به ما بخشید، این تنگنری مرا در مقام خاقان مستقر کرده است.»<sup>[۷]</sup> در واقع، بر طبق الگوی چینی، خاقان «فرزند آسمان» است (بند ۱۲۸). فرمانروا فرستاده یا نماینده خدای آسمان است. کیش تنگنری با همه قدرت و یکپارچگی آن به وسیله فرمانروا حفظ می‌شود. «هنگامی که هرج و مرج حکمفرماست، هنگامی که قبایل پراکنده‌اند، هنگامی که دیگر هیچ امپراتوری وجود ندارد (مانند روزگار ما) تنگنری که پیش از این بسیار با اهمیت بود، به تدریج به خدای غیرفعال (*deus otiosus*) تبدیل شد، جای خود را به خدایان آسمانی درجه دوم داد، یا تکه‌تکه شد (تکثیر و تولیدمثل تنگنری)... هنگامی که دیگر هیچ فرمانروایی وجود ندارد، خدای آسمانی کم‌کم فراموش شده، کیش‌های عوام‌پسند تقویت شده، و به تدریج اهمیت اساسی پیدا می‌کند.»<sup>[۸]</sup> مغول‌ها در حدود ۹۹ تنگنری می‌شناختند، که اکثر آن‌ها نام خاص و وظایف روشن خود را داشتند. استحاله خدا و فرمانروای آسمانی به خدای غیرفعال (*deus otiosus*) پدیده‌ای است جهانی که در همه ادیان به آن گواهی داده می‌شود. در مورد تنگنری یا جان‌شینی او با خدایان دیگر، به نظر می‌رسد به دنبال فروپاشی امپراتوری رخ داده است. اما چنین فرایندی در شرایط تاریخی بی‌شمار تأیید شده است (بنگرید به *Patterns 14*).

تنگنری معبدی نداشت، و بعید است که مجسمه‌ای از آن ساخته شده است. چنگیز خان در بحث مشهور خود با امام بخارا به او گفت: «سراسر عالم خانه خداست، چه فایده‌ای دارد که مکان خاصی را برای او بدانیم (برای مثال، مکه) و برای عبادت آن جا برویم؟» مانند هر جای دیگر، خدای آسمانی اقوام آلتایی نیز بر همه چیز دانا بود. مغول‌ها هنگام سوگند خوردن می‌گفتند، «باشد که خداوند آن را بداند.» فرماندهان نظامی از قلعه‌های کوه بالا می‌رفتند (انگاره‌ای از مرکز جهان) تا به نیایش خداوند بپردازند، یا پیش از عملیات نظامی‌شان، جدا از دیگران در چادرها به سر می‌بردند (گاهی به مدت سه روز، مانند چنگیز خان)، و سربازان از آسمان (خدا) یاری می‌طلبیدند. تنگنری ناخرسندی خود را با نشانه‌های کیهانی آشکار می‌ساخت: ستاره‌های دنباله‌دار، قحطی‌ها، و سیل‌ها. بودند کسانی که او را صرفاً نیایش می‌کردند (برای مثال، در میان مغول‌ها و بلتورها و غیره) و ممکن بود کسی هم اسب، رمه و گوسفند برای او قربانی